



امام رضا علیه السلام: همواره اتم خوشبخت است، تا هنگامیکه با یکدیگر دوستی بورزند و به یکدیگر هدیه بدهند.  
(وسائل الشیعه ۱۱/۲۰۲)

## خطابه

### محصول تفکر در انسان، همچون غسل شفاء بخش است

بیانات آقای اخوت در مراسم افطاری مدرسه تفکر و تعقل (شنبه، ۳ تیرماه مصادف با ۲۹ رمضان)

#### ۱. ضرورت برنامه ریزی برای معنویت:

اولین نکته مهم، شدت نیاز ما به بحث معنویت در جامعه کنونی است. انسانها همیشه نیاز به معنویت دارند، ولی در مواقعی به دلایل وقوع فتنه ها و مسائل مختلف احساس می شود که این نیاز بیشتر از دیگر مواقع است. مشکلی که الان بر سر راه معنویت وجود دارد، این است که افرادی که عهده دار مسئولیت معنویت اند، ظهور و بروزاتشان در جامعه زیاد نیست. یا اینکه مشکل از عدم رجوع ما به آنهاست، یعنی علمای معنوی در محله مان کم داریم یا نمی شناسیم که سراغشان برویم و مشکلاتمان را با آنها مطرح کنیم و یا نیازی به رجوع احساس نمی کنیم. خواهشی که از دوستان دارم این است که حتما یک برنامه معنوی با محتوای ارتباط با خدا و ترک گناه که بتوانید روی آن حساب کنید و عبودیتتان را نزد خدا بیشتر از قبل کنید، بریزید و اسم آن هم برنامه معنوی بگذارید، به این معنی که هر ماه برنامه قوی تری داشته باشید. اینطور نباشد که سال بگذرد و بر قدرت معنوی ما افزوده نشده باشد و یا اینکه ندانیم چقدر اضافه شده است. سنجش معنویت، شاخص دارد: مثلاً میل انسان به گناه کم بشود، نماز اول وقت در زندگی تقویت شود، کم کم نماز شب در برنامه های روزانه بیاید، اهتمام به نماز صبح -بالاخص نماز صبحی که چسبیده به نماز شب باشد- بیشتر شود، خواب بین الطلوعین کم یا حذف شود و... تقریباً همه علمای اخلاق روی این موارد تأکید دارند. بعضی اوقات برای عده ای قضیه فراتر می رود و ختم بعضی سوره ها مانند سور مبارکه ملک، یس، واقعه و... نیز اضافه می شود. اینها مواردی است که قابل برنامه ریزی است. مهم این است که انسان مواظب باشد که

روزمزگی یک مرتبه او را غافلگیر نکند و یعنی یک مرتبه در سن ۳۰-۴۰ سالگی با انسانی مواجه نشود که دستش خالی از معنویت و ارتباط با خداست. متأسفانه سطح معنویت در جامعه خیلی پایین آمده است و لازم است هرکسی این کار را برای خودش انجام دهد و ارزیابی خوبی از خودش داشته باشد. اگر بخواهیم برای معنویت یک شاخص انتخاب کنیم، ترک طعنه و سرزنش در خانواده خیلی مهم است. متأسفانه ما خیلی اوقات دچار انواع سرزنش می شویم و خودمان هم نمی دانیم که اسم آنها سرزنش است! سرزنش یعنی اینکه عیبهای دیگران برای ما بزرگ شود و عیبهای خودمان خیلی دیده نشود. اگر کسی بتواند این صفت را در خودش کنترل کند، بسیاری از دیگر صفات رذیله مثل کینه، حسد و بخل را هم توانسته کنترل کند.

#### ۲. اهمیت شناخت و بهره از تفکر قرآنی:

یکی از مهمترین توصیه هایی که به ما شده است، بحث تفکر است. در اهمیت بحث تفکر همین روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله کافیست که «تفکر الساعة خیر من عبادة سبعین سنة»؛ یک ساعت تفکر معادل و حتی برتر از عبادت ۷۰ ساله است. از طرف دیگر سوره قدر می فرماید «بسم الله الرحمن الرحیم، انا انزلناه فی لیلة القدر، و ما ادرک ما لیلة القدر، لیلة القدر خیر من الف شهر». یعنی تقریباً ساحت تفکر همچون ساحت لیلة القدر مطرح شده است. شارحان روایت فوق مطالب مفصلی را ذیل آن مطرح کرده اند، از جمله اینکه انسان می تواند با یک ساعت تفکر، قدرت روحی و معنوی ای پیدا کند تا رویکردهایش به زندگی متفاوت شود. بنابراین جا دارد که یک ساعت تفکر او معادل ۷۰ سال عبادت باشد. منتهی در جامعه ما

اتفاقی رخ داده است که متأثر از فرهنگ غربی می باشد و آن اینکه معنای تفکر تغییر کرده و به سمت یک مدل استدلال سوق پیدا کرده است. می گویند فکر کردن یعنی بنشین و راه چاره ای در بیاور یا اگر تعریف را قوی تر کنند، می گویند کشف ارتباط است و یا اینکه تفکر یعنی حرکت از مجهول به معلوم. اما در قرآن و روایات، معنای تفکر به اینها نیست و این تعاریفی که از تفکر ارائه می دهند از فرهنگ یونان، فرهنگ فلسفی و یا فرهنگ غربی است که دستخوش تغییر شده و تفکر قرآنی بر ما جا نیفتاده است. بر ما لازم است که بدانیم تفکر چیست و در چه صورتی می گویند کسی در حال تفکر است. باید سراغ روایات اهل بیت علیهم السلام برویم. امیرالمومنین علیه السلام فرموده اند: «التفکر مرآة الصافیة» و «التفکر حیاة قلب بصیر». ایشان وقتی می خواهند تفکر را معنی کنند، آن را با آینه و قابلیت انعکاسش مطرح می کنند. باید دید چرا اینطور معنی می کنند؟ ما باید روی بحث تفکر سرمایه گذاری کنیم. به نظر بنده، اولین و مهمترین تحریفی که در غرب در ساحت انسان رخ داده، تحریف در معنای تفکر بوده است. در این مورد باید مفصل کار شود. سوره مبارکه نحل، یکی از سوره هایی است که بحث تفکر در آن به صورت مشخص و واضحی بیان شده است. اگر بخواهیم بگوئیم تفکر مثل چه است؟ مثل این است که موجودی مانند زنبور عسل را از بقیه زنبورها متمایز می کند. همه زنبورها ممکن است روی گل بنشینند و از شیر گلها تغذیه کنند اما بین انواع زنبور فقط یک گونه زنبور، عسل سازی می کند. حشره مظلومی که روی گل می نشیند، به کندو برگشته و محصول آمد و شد او، عسل می شود که شفاء برای مردم است.<sup>۲</sup>

تفکر ساختاری است که در موجود برپا می شود تا داده هایی که از مواجهه با پدیده ها و حوادث (مثل ازدواج کردن، بچه دار شدن، فوت بستگان، مسافرت رفتن، رفتن در طبیعت و...) بدست می آورد، را تبدیل به علم نافع کند. پردازشگر این ماجرا تفکر است. یعنی اگر کسی در درونش سیستمی نباشد که وقتی با مسائل و موضوعات مختلف زندگی مواجه می شود، از آنها علم دریافت نکند، تفکر ندارد، زندگیش هدر رفته و باخته است. مصداقی از این آیه می شود: ﴿بسم الله الرحمن الرحيم، إن الانسان لفی خسر﴾. چون خداوند انسان را در دنیا قرار داده است و گاهی نعمتی به او می دهد و گاهی نعمتی را از او می گیرد، خدا می خواسته است اتفاقی برای او بیفتد. این اتفاقات مثل نشستن روی گل و رفتن در کندوست. دلالتش با بحث تفکر مثل این است که یک انسان انتخاب کند شبیه زنبور عسل شود یا شبیه زنبور گاوی که نیش می زند. یعنی فقدان تفکر، انسان را به زنبوری تبدیل می کند که نیش آن زهر دارد، مؤمن و ایمن نیست. کافی است در اتاقتان فقط یک زنبور باشد، حساس ترین نقطه ها را پیدا کرده و نیش می زند، چون آن دستگاه پردازشگر را ندارد. ما باید برای تعریف تفکر به قرآن برگردیم، به جای آنچه که توسط افراد و علوم مختلف به ما

رسیده است. باید تفکر را به سمت یک ویژگی که مواجهات انسان را تبدیل به علم می کند، برد. جدیدترین تعریفی که از تفکر بدست آورده ایم - و جایی بین دانشمندان علوم مختلف مطرح کردیم و برایشان جالب بود - و بر اساس سوره مبارکه نحل است، اینکه: تفکر عبارتست از تواضع انسان، تواضعی که به انسان در مواجهاتش نسبت به پدیده ها و رخدادها حالت انکسار و خشوعی می دهد که می داند که آن پدیده یا رخداد می خواهد به او ضربه بزند بلکه می خواهد به او چیزی بیاموزد. آن حادثه ای که برایش اتفاق افتاده، نمی خواسته به او لطمه بزند، بلکه رخ داده تا منفعتی به او برساند. تواضع نفس نسبت به پدیده ها و حوادث، در فرد علمی نافع در جهت عبودیت پروردگار شکل می دهد. این تواضع، پذیرش، تأمل و سرکش نبودن، تفکر است، که انواع هم پیدا می کند. حیاف انسان است که از این عطیه الهی که فقط نصیب او شده است، برخوردار نباشد و حظ و بهره ای نبرد. به همین دلیل می گویند برترین اعمال در شب قدر، تفکر است که ان شاء الله از

### ۳. توجه به ساحت اجتماعی انسان به عنوان بستر پرورش او:

انسان یک وضعیت و ساحت اجتماعی دارد و بعضی از موجودات مثل پرندگان نیز این وضعیت را دارند، البته خفیف تر و بعضی اوقات هماهنگ تر. حرکت پرندگان را رصد کنید، فوج فوج و بر اساس مدل پیروی-رهبری حرکت کرده و هر کدام نقشی را ایفا می کنند. جریانات جالبی در زندگی پرندگان از جهت زندگی اجتماعی آنها وجود دارد. خداوند به انسان نیز ساحت اجتماعی ای داده است که اگر فعال نشود، خیلی از مواهب را انسان نمی بیند،



کما اینکه وقتی در قرآن از مجازات و پاداش انسان حرفی می زند، بعضی جاها درباره او به تنهایی است و بعضی جاها راجع به امت است. یعنی در قرآن همانطور که انسان پاداش و جزا می بیند، امت هم جزا و پاداش دارد و مثل اینکه شأن مستقلی برای امت قرار داده شده است. بنابراین حرکت های اجتماعی و حضور در جمعها خیلی اهمیت دارد. بالاخص برای آقایان که به جهات مختلف، حضورشان اهمیت بیشتری دارد. خیلی از منویاتی که برای فرزندانان در زندگی در نظر دارید، بدون حرکت های اجتماعی اصلا ممکن نمی شوند. خیلی از خیرات فقط در جمع به انسان داده می شود. توصیه ام این است که در مورد بحث های جمع و ارتباطات جمعی به شدت برنامه ریزی کنید، البته با حفظ حریم ها.

همانطور که بچه های ما پدر و مادر دارند، باید پدر و مادرهای معنوی نیز داشته باشند، همینطور عمو و خاله های معنوی. اگر بتوانیم این جمعیتها را زیاد کنیم، اولین منفعت آن به بچه هایمان می رسد. وقتی بچه ها در جمعیت های اینگونه بزرگ می شوند احتمال انحراف آنها

تقریباً صفر است. وقتی بچه، ۱۰ تا عمو و خاله معنوی پیدا کند، مثل این است که یک حفاظ معنوی برایش ایجاد شده است. پیشنهادم این است که روی این موضوع به صورت جدی کار کنید و جمع را توسعه دهید. اگر می توانید هر ماه، هر شش ماه یا حتی هر سال یکبار این جمعیتها را به شکل ویژه ای توسعه بدهید، طوری که بچه ها بتوانند پدر و مادر و عمو و خاله های معنوی بیشتری را ببینند و رصد کنند و احساس کنند که این جمع مال خودشان است. اردوهای مشترک مثل اردوهای زیارتی، با حفظ حریم ها برگزار کنید. البته یکی از آسیب های این جمعها، شکست حریمهاست که باید از قبل مراقب آن بود. یکی از ایرادها مقایسه کردن افراد است. در مورد اینها باید فکر شود تا آسیبها به ما لطمه نزنند.

اگر موفق بشویم جمعیت های مؤمن همگن انقلابی را دور هم جمع کنیم، اولین فایده آن برای بچه های ماست که ما این تجربه را به صورت مکرر کرده ایم و الحمدلله بچه هایی که در این جمعها بزرگ شده اند، از پدر و مادرشان انقلابی تر، قرآنی تر و بهتر بوده اند. وقتی جلسات قرآن داریم، حتی ممکن است بچه هایی که در حال بازی و شلوغ کردن اند، بیشتر از پدر و مادرشان قرآن و مطالب را بگیرند. بعدا که بزرگ شدند، وقتی حق را می شنوند مثل این است که آن را قبلا شنیده اند و می دانند و در فطرتشان حک شده است. به همین دلیل ما در جمعها مانع از حضور بچه ها نمی شویم و کاملاً آنها را آزاد می گذاریم. این به دلیل اهمال ما نیست بلکه به خاطر آموزش دیدن اوست.

ان شاء الله خدا به ما توفیق بدهد و مسیری که انتخاب کرده ایم را با نورانیت، معنویت و تفکر و تعقل دنبال کنیم و برای اسلام و مسلمین، به خصوص برای ظهور بقیه الله الاعظم علیه السلام دعای ویژه کنیم که همه غم و غصه هایی که داریم به خاطر فقدان ظهور حضرت علیه السلام است که ان شاء الله به زودی با ظهور ایشان برطرف شوند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵

۲. ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ\* ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (سوره نحل، آیات ۶۸-۶۹).



## پروتکل آتش به اختیاری در جهاد علمی-قرآنی

بیانات آقای اخوت درباره رویکردهای جدید به فعالیتهای قرآنی (کلاس ختم مفهومی شنبه، ۱۰ تیرماه)

می‌شوید و قفل می‌کنید، آن را به عنوان استراحت ببینید. انگار گفته باشند شما کمی روی نیمکت ذخیره بنشینید و آماده باشید تا وقتی دیگران خسته شدند، شما جای آنها قرار بگیرید. ولی بعد از اینکه از حالت استراحت درآمدید جبران کنید. اینطور نباشد که تصور کنید همیشه باید استراحت کرد! وقتی انرژی ذخیره کردید و بنا شد آن انرژی را آزاد کنید باید دو-سه برابر کار کنید. استراحت و قفل کردن را امری عادی بدانید و بعد از آن، جبران کنید.

۴. ملاک و مناط شما برای انجام هرکاری این است که دیگران را به تقوا و مراقبت از خدا دعوت کنید. روح اصلی هر کاری در هر حالتی، تقویت تقوا و مراعات در برابر خدا باشد. کاری نکنید که افراد حضورشان را در پیشگاه الهی بیشتر باور کنند. هر کاری را به این عنوان انجام دهید و غایتتان درک محضر خدا برای انسانها باشد. ذکر خدا، انجام احکام دین، بیان احکام و تقیید به بایدها و نبایدهای شرعی، راه مصونیت از خطا و اشتباهاتی است که ما در کارهایمان داریم. به هر حال خطا پیش می‌آید. اگر کسی اشتباهات ما را جمع کند، بیش از کتابایمان می‌شود! برآیند فعالیت این باید باشد که افراد به سمت مرجعیت و رهبری سوق پیدا کنند تا به صورت کلان انحرافاتشان حذف شود و به تفسیر به رأی نیفتند.

۵. از هدایت هیچ کسی ناامید نشوید. اگر جلسه‌ای گذاشتید و کسی نیامد و دهن کجی و بی‌اعتنایی شد، روش را تغییر دهید. دانشجویان فعلی نسبت به مباحث دینی موضع‌گیری دارند. نگویید دانشجو وضعیت خراب است بلکه روشهای ما باید نو شود و رویکردهای ما باید تغییر کند. از هدایت کسی نباید ناامید شد و نباید به مردم انگ زد که آنها هدایت شدنی نیستند.

۶. هیچگاه مأیوس نشوید. همیشه بانشاط باشید. هیچوقت بیکار نباشید.

۷. در هر کاری که می‌خواهید انجام دهید حتماً به امام رجوع کنید. هر کسی ممکن از با یکی از ۱۴ معصوم (ع) بیشتر ارتباط داشته باشد. رجوع به امام، درد و دل کردن، الهام گرفتن و این ارتباطات را همیشگی کنیم. از امام بخواهیم و به امام رجوع کنیم. از امام، علم طلب کنیم. گرداندن کار را از او بخواهیم. از او ببنایی بخواهیم. از او بخواهیم که اصوات غیبی را به گوش ما برساند. به امام رجوع کنیم، همیشه و هر جا. امام‌دار باشیم. هرکاری می‌خواهیم انجام بدهیم، بدانیم که آن کار متولی دارد. به او توسل کنیم، حتی با همین توسلات ساده.

۸. هر جایی هستید خودتان را نماینده امام بدانید. هرکاری می‌کنید به او گزارش بدهید. از او باید و نبایدها را بخواهید.

۹. دست از افکار قالب‌خورده و شکل گرفته بردارید. به‌روز باشید. سعی

در سفر به مشهد در عید فطر، از امام رضا (علیه السلام) خواستم که برای دوستان ایمانی‌مان -بالاخص دوستانی که در کارهای اجرایی و پژوهشی مدرسه قرآن مشغول هستند- هدیه‌ای به ذهنم جاری کنند. مطالبی است که به نظرم قابل تأمل‌اند و لازم است همه دوستان در شروعی جدید، آنها را در نظر داشته باشند. بعد از ماه مبارک را به عنوان شروعی جدید تلقی کنیم، پس لازم است هر کسی از خودش ارزیابی کند، نواقص را ببیند و افقهای پیش‌روی خودش را تنظیم کند. این متن، مواردی است که آقا علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) به ذهن بنده انداخته‌اند، هرچند از ذهن بنده است ولی محل شکل‌گیری‌اش در حرم امام رضا (علیه السلام) بوده است. این نکات به صورت زنجیروار به هم مرتبط هستند و از همین زنجیرواری می‌فهمیم که آنها القاست یا توهم؟ این نکات با اینکه جدا هستند اما در عین حال به هم پیوسته‌اند. به این حالت تفصیل می‌گویند که شبیه آیات قرآن است. اگر این موارد ذهنیت هم باشند اما ۹۹ درصد آنها، استناد از آیات قرآن دارند. عنوان آن «پروتکل برنامه‌های جدید و میثاق‌نامه کلاس ختم مفهومی شنبه‌ها برای سال جدید» می‌باشد:

۱. یکی از وظایفی که بر عهده همه ماست، این است که به هدایت شدن همه انسانها امیدوار باشیم و بر اساس اینکه لازم است همه انسانها هدایت شوند برنامه‌هایمان را تنظیم کنیم. امیدوار باشیم همه انسانهای روی زمین هدایت می‌شوند و کار ما به هدایت همه انسانها منجر می‌شود. شکوفا کردن این امید یک کرامت است. به همین دلیل اصطلاحات می‌گوییم فلانی کرامت داشت و کیمیا بلد بود، یا فلانی کرامت داشت و مستجاب الدعوه بود. داشتن این چنین امیدی، کرامت است. کرامت در داشتن چنین رجائی است. قلمروی هدایت همه انسانهای روی زمین را تصور کنیم و از حضرت موسی (علیه السلام) یاد بگیریم، آن جایی که فرمود «يٰۤاَيُّهَا كَثِيْرًا وَ نَذٰكِرْ كَثِيْرًا» که «کثیرا» به همین معناست. از اینکه این چنین قدرتی خدا به ما داده است، نباید بترسیم و هول کنیم!

۲. هر کاری را می‌خواهید انجام بدهید بر اساس این امید انجام دهید. از آنجایی که نوعا کارهای انسان جمعی است، در کارهایی که بنا دارید افراد را در جاهای مختلف قرار دهید و جمعی کار کنید، به دیگر افراد این امیدواری را القاء کنید.

۳. طبیعی است برای هر فرد بازه‌های زمانی -در حد یک هفته، دو هفته، یک ماه و حتی ممکن است به سال هم بکشد- پیش بیاید که هیچ داد و ستدی نداشته باشد و کاری از او برنیاید. وقتی اینطور

مَدَامَ حَلَالٍ وَ اَمَّا حَرَامٌ فَالْحَرَامُ حَرَامٌ

نکنیم، امام ما را رها نمی کند.

۱۴. جسم و جان هر یک از ما، باید دیگران را از خطرات ایمن کند. خطراتی که الان زیاد شده است مانند خطرات ماورایی، خطر جن و سحر و... شما باید با اتصال به امام بلاگردان آدمها باشید. باید آنها را از خطرات و دشواریهای دنیایی نجات دهید. با فال نیک زدن، با دعا کردن و... حرز و از این کارها هم نمی خواهد! حسن ظن داشته باشید و بدانید که جان شما باید ایمنی بخش دیگران باشد. خودمان را کمتر از این نینیم.

۱۵. بروزات خودمان را زیاد کنیم. از اینکه جایی کز کنیم و قیافه اهل فکر گرفته باشیم، دست برداریم. فکر را بگذارید برای نماز شب و وقتی در خلوت هستید. وقتی در جمع قرار می گیرید با دیگران بجوشید و انس بگیرید. اتفاقا کسانی می توانند در خلوت فکر کنند که فعالیت های روزانه شان زیاد باشد. پرتحرک باشید. در مواجهاتان با دیگران سعی کنید پُر بروز باشید.

۱۶. سعی کنید در بروزاتان کلام اهل بیت (ع) را نقل کنید، مانند روایتهای اخلاقی، روایتهای حکمت آمیز، حکمتهای کاربردی و... بعضی از افراد هستند که وقتی با آنها صحبت می کنیم بدون اینکه «قال الصادق (ع)» و «قال الباقر (ع)» بگویند، مدام حین حرف زدن روایت می گویند. نشست و برخاست با این افراد، نور است.

۱۷. مجالسمان را باید مجالس ذکر کنیم. هیچی چیزی در این عالم بالاتر از ذکر خدا نیست. قصد کنید که همه جا، علم ذکر خدا را برپا کنید. ادعیه حضرت زهرا (ع) در این راستا درخشش عجیبی دارد. جریان ذکر، جریان حیات است.

۱. سوره طه، آیات ۳۳-۳۴

کنید افکارتان را متأثر از القای امام بدانید. افکاری که متأثر از القای امام باشند، نمی شود که منعطف نباشند. خاصیت وجود القایی این است که در عین اینکه برنامه ریزی دارد اما در آن انعطاف نیز هست.

۱۰. زیارت امین الله را به قصد وصل شدن به امام، همیشه و هرجا، ولو یک قسمت از آن را یا با جاری کردن مفاهیم آن در ذهن، همراه داشته باشید. البته بعضی توصیه قرائت هر روزه دارند که خیلی خوب است اما بنده چون خودم اینجور نیستم، توصیه های اینطوری ندارم! مهم این است که با زیارت امین الله وصل بشویم و معنای دعا را مرتب در ذهن بیاوریم. ۱۱. دوری از مرقد و جسم امام را با یاد توحید و سوره توحید جبران کنیم. به هر حال ما باید با جسم و مرقد ائمه (ع) مرتبط باشیم اما وقتی جسم او جای دیگری است یا غایب است، راهش این است که این دوری را با سوره توحید جبران کنیم. هر قدر افراد دوست دارند که با امام باشند، سوره توحید را بیشتر برای خود مرور کنند. با سوره توحید انس داشته باشید. انس با این سوره، انس با امام است. درست است که می گویند سوره قدر، سوره معرفی امام است اما سوره توحید، سوره انس با امام است. در نمازهای اهل بیت (ع) هم انس با سوره توحید ویژه و مستمر است.

۱۲. هر قدر خود را از ذهنیات و طرح ها و افکاری که خودمان داریم خالی کنیم، صدای امام را بیشتر می شنویم. این اتفاق مستلزم این است که طرح و فکر داشته باشیم اما در عین حال هم از آنها خالی باشیم! یک مقدار کار سختی است و تمرین می خواهد. احتیاج به نماز شب و سکوت شبانه دارد. ۱۳. حسن ظن به امام داشته باشیم. بدانیم هیچ وقت امام ما را رها نمی کند. شما مگر شاگرد هایتان را رها می کنید، که امام شما را رها کند؟! شما که امام نیستید، شاگرد هایتان را رها نمی کنید و به فکر آنها هستید که زمین نخورند، پس چطور می شود که امام شما را رها کند؟! من و شما اگر امام را رها

## یادداشت ادبی

### به دنبال مسیر عبور تو

با پس زمینه فراغ امام (ع) و محوریت سوره مبارکه شمس

#### مینارضاوند

تو خورشید در گردش و عالم، ماهی به دور تو  
تو منبع نور و من، حیران به دنبال مسیر عبور تو  
تو روز روشن و من، شبی در جستجوی راه عبور تو  
تو آسمان بلند و من، زمین خیره بر بلندای روی تو  
تو آن خوبی نهفته در جانی و تقوا مسیر جستجوی تو  
تو آن فلاح موعودی و تزکیه راه دویدن به سوی تو  
خدا نکند روزی شوم جداز مسیر عبور تو  
محروم ترین است آنکه نگردد به گرد روی تو  
قربایت عجیبی است بین من و ماه و دویدن به گرد  
روی تو  
همان دم که الهام شد رمز شناسای مسیر عبور تو

## ۱۵ سوال سالروز شهادت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) تسلیت باد



صاحب امتیاز | احمد رضا اخوت

زیر نظر | هیأت سردبیر

مدیر مسئول | فاطمه سادات شریعتمدار

هیأت تحریری | دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (کاشفیون)

کانال اطلاع رسانی

مجمع مدارس دانشجوی قرآن و عترت

@QuranEtratSchool

